



Knowledge
Improvement

ضمیر es در زبان آلمانی و مشکلات فارسی‌زبانان در یادگیری آن*

نیلوفر مبصر

کارشناس ارشد آموزش زبان آلمانی، عضو هیئت علمی گروه زبان آلمانی، دانشگاه تهران mobasser@ut.ac.ir

آیدا سعیدی توکلی

کارشناس ارشد مترجمی زبان آلمانی، پژوهشگر مرکز پژوهشی زبان خارجی، دانشگاه تهران aidatavakoli@yahoo.com

Abstract

Das Pronomen "es" zählt zu den komplexen Grammatikstrukturen der deutschen Sprache und verursacht daher für die iranischen Deutschlernenden vielfach Sprachschwierigkeiten. In der vorliegenden Arbeit werden in Anlehnung einer empirisch erhobenen Datenerhebung die Probleme der iranischen Deutschlernenden im Bereich des Pronomens "es" thematisiert, und auf die Fehlerursachen der iranischen Deutschlernenden eingegangen. Im Anschluss werden mögliche Therapiemaßnahmen angeführt.

Schlüsselwörter: deutsche Sprache, persische Sprache, Pronomen "es", Fehleranalyse, Fehlerursachen, Therapiemaßnahmen

چکیده

ضمیر "es" با توجه به کاربرد و نقش‌های متعدد و متفاوت آن، در شمار مباحث پیچیده و دشوار دستور زبان آلمانی محسوب می‌شود. اغلب زبان‌آموزان در استفاده‌ی صحیح از ضمیر es دچار مشکل و اشتباه می‌شوند. نوشته‌ی حاضر، ضمن معرفی نقش‌های متعدد ضمیر es در زبان آلمانی، به بررسی مشکلات فارسی‌زبانان در استفاده‌ی صحیح از این ضمیر می‌پردازد و علل بروز خطا در تشخیص و ضرورت استفاده از آن را در قالب یک تحقیق میدانی بررسی می‌کند و در این خصوص راه‌کار ارائه می‌دهد.

کلید واژه‌ها: زبان آلمانی، زبان فارسی، ضمیر es، تجزیه و تحلیل خطا، راه‌کارها

مقدمه

ضمیر را بر مرجع مقدم می‌دارند. مرجع ضمیر باید معلوم و دور از اشتباه باشد و به همان شخصی که مورد نظر است برگردد. گاهی مرجع ضمیر، لفظ معینی نیست بلکه ضمیر به حاصل معنی جمله‌ی قبل راجع می‌شود؛ مانند آن‌که می‌گوییم: «سلامت برترین نعمت‌هاست و آن نزد عاقلان آشکار است.» در این مثال، ضمیر «آن» به هیچ یک از کلمات جمله، قبل بر نمی‌گردد، بلکه مفهوم کلی جمله‌ی قبل را که «برتر بودن سلامت از دیگر نعمت‌ها» است مورد اشاره قرار می‌دهد. چون ضمیر به جای اسم می‌نشینند، حالات آن را دارا هستند؛ یعنی می‌توانند به جای اسمی که فاعل، مفعول یا مضاف‌الیه جمله است، بنشینند. ضمیر بر سه قسم است: شخصی، اشاره، مشترک [همان، ص ۷۴]. البته برخی، انواع دیگری نیز برای آن قائل شده‌اند؛ مانند ضمیر پرسشی، ضمیر تعجبی و ضمیر مبهم [انوری و احمدی، ۱۳۷۹: ۱۸۲].

ضمیر در زبان آلمانی

بخشی از کلماتی که آن‌ها را با عنوان کلی ضمیر^۲ می‌شناسیم، عملکردی مشابه اسمی دارند. یعنی مانند اسمی، موجودات زنده، اشیا و مفاهیم را مشخص می‌کنند [درسدوسکی، ۱۹۸۴: ۸۹ - ۸۸]. در این حالت، ضمیر به جای اسم می‌نشیند، حالت و نقش دستوری آن را منعکس می‌کند و ما را از تکرار آن بی‌نیاز می‌سازد [همان، ص ۳۱۵].

*Der Vater/ Er/ Man hat den Mann/ihn/
niemanden/keinen gesehen.*

ضمیر در گروه «کنایات» قرار می‌گیرد. طبق تعریف، هر کلمه‌ای که معنی آن پوشیده و دانستنش محتاج قرینه باشد «کنایه» محسوب می‌شود.

ضمیری که به جای اسم می‌نشیند، با اسمی که مرجع آن است در تعداد (مفرد یا جمع) مطابقت می‌کند:

Das Kind/ Es kann nicht kommen (Singular).

*Die Eltern/ Sie können nicht kommen
(Plural).*

و اغلب، نشان‌دهنده‌ی جنسیت اسم مرجع خود است [همان، ۳۱۶].

تجزیه و تحلیل خطا با هدف شناخت عوامل بروز آن، از مفاهیم اولیه و اجزای جدانشدنی تدریس یک زبان خارجی محسوب می‌شود. آگاهی از آن‌چه در ذهن زبان‌آموزان هنگام یادگیری یک زبان خارجی رخ می‌دهد، برای متخصصان آموزش زبان و مدرسین، بسیار حائز اهمیت است. براساس نتایج حاصل از این بررسی‌ها می‌توان نکات مشکل‌آفرین و مسیرهای ذهنی نادرست را شناسایی کرد و برای آموزش یک مطلب یا یک مفهوم، مناسب‌ترین شیوه را برگزید.

ضمیر وانواع آن از مباحث مهم دستوری زبان آلمانی محسوب می‌شود. «es» به‌عنوان ضمیر سوم شخص مفرد خنثا در حالت فاعلی و مفعولی^۱ کاربرد و نقش‌های متعدد و متفاوتی دارد. همین امر، یادگیری این مبحث را برای زبان‌آموزان دشوار و پیچیده کرده است؛ زبان‌آموزان هنگام استفاده از ضمیر «es» با سؤالات و مشکلات فراوانی مواجه می‌شوند. مهم‌ترین مسئله استفاده از ضمیر es این است که:

- چه هنگام es نه تنها در ابتدای جمله بلکه در فضای درونی آن نیز قرار می‌گیرد؟
- چه هنگام es فقط در ابتدای جمله قرار می‌گیرد و آیا در صورتی که یکی دیگر از اجزای جمله به مکان اول جمله منتقل شود و جای es را اشغال کند، es حذف می‌شود؟

نوشته‌ی حاضر ابتدا به معرفی نقش‌های متفاوت es می‌پردازد و در ادامه با بررسی خطاهای زبان‌آموزان در استفاده‌ی صحیح از es، در نقش‌های گوناگون و متفاوت آن، سعی در شناخت عوامل بروز این خطاها دارد.

ضمیر در زبان فارسی

ضمیر در گروه «کنایات» قرار می‌گیرد. طبق تعریف، هر کلمه‌ای که معنی آن پوشیده و دانستنش محتاج قرینه باشد «کنایه» محسوب می‌شود. ضمیر، مانند دیگر اعضای گروه «کنایات» نیازمند کلمه‌ی دیگری است تا معنی آن را روشن و آشکار سازد [قریب، ۱۳۷۰: ۷۱]. در این مورد، آن‌چه معنی ضمیر را مشخص می‌کند «مرجع» نامیده می‌شود. ضمیر، کلمه‌ای است که به جای اسم می‌نشیند و ما را از تکرار آن بی‌نیاز می‌کند. مرجع ضمیر باید از پیش ذکر شده باشد البته گاهی در اشعار، برای ضرورت،

Sie hat ein kleines Haus.

→ *Es gefällt mir sehr. Mir gefällt es sehr.*

es می‌تواند به جای یک اسم مفرد خنثا که مفعول جمله است نیز ظاهر شود، در این صورت es در ابتدای جمله قرار نخواهد گرفت:

Sie hat ein kleines Haus.

→ *Sie will es verkaufen.*

نمی‌توان گفت:

*Es will sie verkaufen**

می‌تواند به جای اسامی مذکر و مؤنث نیز قرار گیرد. es در آن‌ها sein این امر در جملاتی رخ می‌دهد که فعل همراه شود. برای «Prädikativ» با یک اسم در نقش «Das ist ein Tisch» در جمله‌ی «Tisch» مثال، کلمه از لحاظ قواعد نحوی، «Tisch»

es جمله محسوب می‌شود. در این جمله Prädikativ Tisch می‌تواند جانشین کلمه است:

Was ist das (für ein Tisch)? Es ist ein Couchtisch.

یا جانشین یک اسم مؤنث:

Was ist das (für eine Lampe)? Es ist eine moderne Designlampe.

و یا حتی جانشین یک اسم جمع:

Was sind das für Leute? Es sind Zirkusartisten.

۲. جای‌گزین اسم یا یک صفت در نقش **Prädikativ** werden, bleiben, sein مانند افعالی می‌شود که همراه با افعالی مانند «Sein-Verben» یا «Kopulaverben» می‌شناسیم، ظاهر می‌شود. برای مثال کلمات dort, gesund و Student در جملات زیر همگی Prädikativ جمله محسوب می‌شوند:

Er ist Student.

Du bleibst hoffentlich gesund.

Das Buch ist dort.

در چنین جملاتی، es می‌تواند جای‌گزین Prädikativ شود:

Der Vater/ Er muss arbeiten (Maskulinum).

Die Mutter/ Sie muss arbeiten (Femininum).

حالت دستوری ضمیر، مانند حالت دستوری اسمی که مرجع آن است، طبق قواعد نحو زبان آلمانی تعیین می‌شود.

گروه دیگری از ضمیر، جانشین اسم نمی‌شوند، بلکه مانند حرف تعریف اسم و با عملکردی مشابه آن، در کنار اسم قرار می‌گیرند:

dieses Kind, keinen Mann

گروه بزرگی از ضمیر، چه به جای اسم قرار گیرند و چه در کنار آن مانند صفات و یا خود اسامی تغییر می‌کنند یا به عبارتی صرف می‌شوند. ضمیر دارای انواع گوناگونی است، از جمله:

Personalpronomen, Reflexivpronomen, Possessivpronomen, Demonstrativpronomen, Interrogativpronomen, Indefinitpronomen, Relativpronomen

ضمیر es

es ضمیر شخصی سوم شخص مفرد خنثا در حالت فاعلی و حالت مفعولی از لحاظ دستوری دارای نقش‌های متفاوتی است. شیوه‌های تقسیم‌بندی نقش‌های es در کتب دستوری و منابع گوناگون باهم تفاوت دارند. برخی از تقسیم‌بندی‌ها کلی‌ترند (هلیگ / بوشا، ۲۰۰۰: ۲۱۳) و برخی جزئی‌تر (آنلاین گرامر، ۲۰۰۹). در ادامه به بررسی این نقش‌ها می‌پردازیم.

الف) es به‌عنوان جانشین کلمه^۳

در این نقش، es به جای کلماتی قرار می‌گیرد که در سه گروه زیر قابل بررسی هستند [هلیگ / بوشا، ۲۰۰۱: ۲۴۰].

۱. جانشین اسم

ضمیر es به‌جای یک اسم مفرد خنثا که قبلاً از آن نام برده شده، قرار می‌گیرد. این اسم می‌تواند فاعل جمله باشد:

Wo ist das Buch? Es steht auf dem Tisch.

در این نقش، es را نمی‌توان از جمله حذف کرد. اگر ضمیر es جانشین فاعل شده باشد، می‌تواند در ابتدا و یا درون فضای درونی جمله ظاهر شود:

es

ب) جانگه‌دار^۴

es در این نقش، جانشین کلمه یا جمله نمی‌شود، بدین معنا که آن را حذف کند و خودش به جای آن قرار گیرد. بلکه هر دو - هم es و هم کلمه‌ای که مرجع آن است - باهم درون یک جمله و یا es در جمله‌ی پایه و مرجع آن در قالب یک جمله‌ی پیرو به دنبال هم مشاهده می‌شوند [همان، ص ۲۱۵-۲۱۴].

۱) جانگه‌دار فاعل

es می‌تواند در جمله‌ی خبری، جای فاعل را در ابتدای جمله اشغال کند و آن را از مکان معمول خود که سمت چپ فعل شده است، به سمت راست آن منتقل کند: Ein Unfall ist passiert.

→ *Es ist ein Unfall passiert.*

در مثال بالا، es برخلاف نقش خود به‌عنوان Prowort، باعث حذف یکی از اجزای جمله (در این جا یک اسم در نقش فاعل) نشده است، بلکه با قرار گرفتن در مکانی که به‌طور معمول به فاعل تعلق دارد، جای طبیعی آن را به خود اختصاص داده و آن را به فضای درونی جمله رانده است. این تغییر مکان، باعث تأکید بیشتر روی فاعل می‌شود و آن را برجسته می‌کند. این امر به‌ویژه در مورد فاعل‌هایی معمول است که یا بدون حرف تعریف در جمله ظاهر شده‌اند و یا توسط یک حرف تعریف نامعین یا کلمات دیگری که به جای حرف تعریف اسم قرار می‌گیرند، مانند *mehrere, viele* و نظایر آن، همراهی می‌شوند.

قرار گرفتن es در ابتدای جمله و به تبع آن تغییر مکان فاعل، تغییر معنایی خاصی در جمله ایجاد نمی‌کند، بلکه بیشتر سبک و سیاق آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در چنین جملاتی es تنها در ابتدای جمله قرار می‌گیرد. اگر مکان اول توسط یکی دیگر از اجزای جمله اشغال شود، es حذف خواهد شد. فعل جمله، نه برای es، بلکه برای

Der Vater ist Arzt, und sein Sohn wird auch Arzt.

→ *Der Vater ist Arzt und sein Sohn wird es auch.*

Die anderen waren von der Wanderung müde, sie war nicht müde.

→ *Die anderen waren von der Wanderung müde, sie war es nicht.*

۳) جانشین فعل یا کل جمله

ضمیر es در نقش جای‌گزین کلمه، می‌تواند به جای فعل اصلی جمله قرار گیرد:

Er raucht nicht mehr. Er hat *es* (das Rauchen) aufgehört.

در مثال بالا es در اصل، جای‌گزین فعل «*rauchen*» شده است. es می‌تواند جانشین فعل جمله شود و به کل جمله‌ای که حذف شده است، اشاره کند:

Sie wollte die Prüfung unbedingt mit Eins bestehen.

→ *Es ist ihr gelungen. Ihr ist es gelungen.*

در هر دو حالت، اگر ضمیر es در نقش فاعل ظاهر شود، می‌تواند در ابتدا یا درون جمله قرار گیرد؛ مانند آنچه در مثال بالا مشاهده می‌شود، اما چنانچه ضمیر es نقش مفعولی داشته باشد، نمی‌تواند در ابتدای جمله قرار گیرد:

Sie wollte die Prüfung unbedingt mit Eins bestehen.

Sie hat *es* geschafft.

نمی‌توان گفت:

Es hat sie geschafft.



Mir ist kalt./ Ihr wurde schlecht.

es در چنین جملاتی در ابتدای جمله، مکانی که به طور سنتی و معمول به فاعل تعلق دارد، قرار می‌گیرد و آنچه را که از لحاظ منطقی فاعل و براساس قواعد نحو زبان آلمانی، مفعول محسوب می‌شود، به درون جمله می‌راند:

Es friert mich./ Es schwindelt ihr.

Es ist mir kalt./ Es wurde ihr schlecht.

در این حالت es می‌تواند در جمله هم به حضور خود ادامه دهد.

Mich friert es./ Ihr schwindelt es.

Mir ist es kalt./ Ihr wurde es schlecht.

۲. جانگه‌دار جمله‌ی پیرو^۵

قبل از آن که به تشریح این کاربرد es پرداخته شود، لازم است در خصوص آنچه در زبان آلمانی جمله‌ی فاعلی^۶ و جمله‌ی مفعولی^۷ نامیده می‌شود، توضیحاتی ارائه شود. گاهی فاعل جمله که معمولاً اسم یا ضمیری در حالت «Nominativ» است، گسترش پیدا می‌کند و اجزا و کلماتی به آن اضافه می‌شود. در برخی موارد این گسترش تا آن جا ادامه پیدا می‌کند که یک «جمله» نقش فاعل را ایفا می‌کند. این «فاعل گسترش یافته»^۸ جمله‌ی فاعلی نامیده می‌شود. مثال‌های زیر به روشن شدن مطلب کمک می‌کند:

Sein Nichtkommen enttäuscht mich.

Mich enttäuscht, dass er nicht gekommen ist.

در این جا یک جمله‌ی پیرو با «dass» نقش فاعل جمله‌ی اصلی را بر عهده دارد. در چنین مواردی، es در جمله‌ی پایه قرار می‌گیرد و به فاعلی که در قالب و مکان جدیدی ظاهر شده است، اشاره می‌کند:

Es enttäuscht mich, dass er nicht gekommen ist.

اسمی صرف می‌شود که نقش فاعل را دارد.

Der Unfall hat sich am Abend ereignet.

→ *Es hat sich gestern ein schwerer Unfall ereignet.*

→ *Es haben sich gestern mehrere schwere Unfälle ereignet.*

استفاده از es در جملات مجهول نیز از قواعد مشابهی پیروی می‌کند:

Das Einfamilienhaus ist in den letzten Jahren gebaut worden.

→ *Es sind in den letzten Jahren viele Einfamilienhäuser gebaut worden.*

es در جملات مجهولی که فاقد فاعل هستند، در ابتدای جمله جای فاعل را اشغال می‌کند. در چنین جملاتی فعل جمله همیشه به صورت سوم شخص مفرد ظاهر می‌شود:

Es wird den Schülern geholfen.

اما اگر جزء دیگری از جمله در مکان نخست قرار گیرد، es حذف خواهد شد:

Den Schülern wird geholfen.

آنچه تا کنون در خصوص نقش es به عنوان جانگه‌دار گفته شد، مربوط به موردی می‌شود که ضمیر es همراه با اسم مرجع خود، که در این جا فاعل جمله است، در جمله ظاهر می‌شود. در زبان آلمانی، در بعضی از ساخت‌ها آنچه از لحاظ منطقی فاعل محسوب می‌شود، از لحاظ قواعد نحو، مفعول جمله است. به عبارت دیگر، فاعل چنین جملاتی به جای آن که در حال «Nominativ» باشد، در حالت *Dativ* یا *Akkusativ* ظاهر می‌شود. این مورد، بعضی از افعال زبان آلمانی و همچنین ساخت‌هایی را شامل می‌شود که متشکل از برخی قیود در کنار *Kopulaverben* [هلبیگ / بوش، ۲۰۰۰: ۲۹] هستند:

Mich friert./ Ihr schwindelt.

Dass er einen Fehler gemacht hat, (*das*)
begreift er.

ج) فاعل و مفعول صوری

در زبان آلمانی، افعال بسیاری وجود دارند که *es* برای آن‌ها نقش فاعل یا مفعول را ایفا می‌کند. چنین فاعل یا مفعولی، بار معنایی خاصی ندارد و حضور آن در جمله تنها براساس قواعد نحو زبان آلمانی الزامی است [همان، ۲۱۵].

البته تعداد دیگری از افعال نیز هستند که اگرچه به این گروه تعلق ندارند، اما در یکی از معانی خود، مانند آنان عمل می‌کنند. *es* چه در نقش فاعل و چه در نقش مفعول، در چنین جملاتی فاقد معنای خاص و روشنی است، اما حضور آن در جمله براساس قواعد نحو زبان آلمانی الزامی است. *es* در این نقش غیرقابل حذف است و آن را نمی‌توان با کلمه‌ی دیگری جای‌گزین کرد. دست‌نویسان، اسامی متعددی بر این نقش *es* نهاده‌اند که فاعل یا مفعول صوری^۱، دستوری^۲، ساختگی^{۱۱} یا غیرشخصی^{۱۲} از آن جمله است.

es در نقش فاعل صوری در ابتدا یا در فضای درونی جمله ظاهر می‌شود (a) و به‌عنوان مفعول صوری تنها در فضای درونی جمله قرار می‌گیرد (b):

a) *Es klingelte plötzlich. Plötzlich klingelte es.*

b) *Er hat es immer eilig. Immer hat er es eilig.*

اما نمی‌توان گفت:

Es hat er immer eilig.

در دنباله به بررسی دقیق‌تر این دو نقش می‌پردازیم.

۱. فاعل صوری

افعالی که *es* را به‌عنوان فاعل صور در کنار خود دارند، گروه ناهمگونی هستند. این افعال از نظر تعداد و نوع مکمل‌هایی که نیاز دارند گاه از نظر معنا، به گروه‌های زیر تقسیم می‌شوند [همان، ۲۱۶]:

الف) افعال کامل بی‌نیاز از مکمل: منظور از فعل کامل^{۱۳}، فعلی است که به تنهایی، یعنی بدون نیاز به اجزایی که در کنار فعل اصلی، جزئی از آن محسوب می‌شوند، قادر است جمله‌ای بسازد که با معنا و از لحاظ دستوری، کامل باشد [درسدوسکی، ۱۹۸۴: ۹۴]. برخی از افعال کامل، برای ساختن جمله‌ای که از لحاظ قواعد نحو، کامل و هم‌چنین با معنی باشد، تنها به فاعل احتیاج دارند و به سایر انواع مکمل‌ها فاعلی، مفعولی، مکانی و... نیازی ندارند. این افعال

همان‌طور که در مثال بالا مشخص است، *es* با قرار گرفتن در ابتدای جمله‌ی پایه - جایی که قاعدتاً فاعل باید آن‌جا باشد - جای خالی آن را پر کرده است و در اصل به فاعلی که بعداً در قالب یک جمله‌ی پیرو ظاهر می‌شود، اشاره دارد. این نقش «*Korrelat*» نامیده می‌شود. در این‌جا *es* در خصوص محتوای جمله‌ی فاعلی اطلاعاتی به خواننده یا شنونده نمی‌دهد. از همین‌رو با توجه به قواعد معناشناسی می‌توان آن را از جمله‌ی پایه حذف کرد؛ اگرچه از لحاظ قواعد نحو، حضور آن در برخی از موارد الزامی است. در این‌جا *es* می‌تواند در فضای درونی جمله‌ی پایه نیز قرار گیرد:

Mich enttäuscht es, dass er nicht gekommen ist.

حضور *es* در ابتدای چنین جملاتی اجباری است، اما در جمله‌ی پایه در برخی موارد می‌توان از آن صرف‌نظر کرد و این موارد را فعل جمله‌ی پایه تعیین می‌کند. اگر ابتدا جمله‌ی پیرو و بعد از آن جمله‌ی پایه قرار گیرد، *es* حذف می‌شود. در چنین حالتی می‌توان *das* را به‌صورت اختیاری در ابتدای جمله‌ی پایه قرار داد:

Dass er nicht gekommen ist, (das) enttäuscht mich.

جمله‌ی مفعولی نیز در اصل، مفعولی از نوع *Akkusativ* است که گسترش پیدا کرده و از یک اسم در حالت *Akkusativ* به یک جمله‌ی پیرو تبدیل شده است. این جمله برای جمله‌ی پایه، نقش مفعول *Akkusativ* را ایفا می‌کند.

Er begreift seinen Fehler.

Er begreift, dass er einen Fehler gemacht hat.

در این‌جا نیز *es* با قرار گرفتن در جای خالی مفعول در درون جمله‌ی پایه، به مفعولی که در ادامه می‌آید اشاره می‌کند:

Er begreift (es), dass er einen Fehler gemacht hat.

es به‌عنوان نماینده یا جانگه‌دار جمله‌ی مفعولی، برخلاف زمانی که همین نقش را برای یک جمله فاعلی ایفا می‌کند، در ابتدای جمله قرار نمی‌گیرد و غالباً می‌توان آن را حذف کرد. اگر جمله‌ی مفعولی قبل از جمله‌ی اصلی قرار گیرد، *es* حذف می‌شود. در چنین حالتی می‌توان از *das* به جای *es* در ابتدای جمله‌ی اصلی استفاده کرد:

را از لحاظ معنایی می‌توان به دو گروه تقسیم کرد:

● افعالی که برای بیان رویدادهای جوی به‌کار می‌روند و به گروه افعال غیرشخصی^{۱۴} [هلبیگ / بوشا، ۲۰۰۰: ۴۶] تعلق دارند؛ مانند:

regnen, schneien, hageln, nieseln, donnern, blitzen, ...

از آن‌جا که از لحاظ منطقی نمی‌توان فاعل مشخصی برای این افعال ذکر کرد، es به‌عنوان فاعلی که تنها به دلایل دستوری وجود آن در جمله الزامی است، در کنار این افعال ظاهر می‌شود:

Es regnet./ Es schneit.

● افعالی که بیان‌کننده‌ی اصوات هستند؛ مانند:

läuten, klopfen, brausen, krachen, rauschen, zischen, ...

Es hat an der Tür geläutet.

(ب) صفت + فعل sein:

ترکیبی از صفاتی که برای بیان ادراکات انسان از محیط طبیعی اطرافش به‌کار می‌روند، در کنار فعل‌های sein, bleiben, werden و نظایر آن (Kopulaverben) نیز es را به‌عنوان فاعل، در کنار خود دارند:

Es wird am Abend sehr kühl.

صفاتی مانند:

«hell», «kalt», «warm», «heiß», «laut», «dunkel» و نظایر آن نیز در همین گروه قرار می‌گیرند. صفاتی که برای بیان مفاهیم مربوط به زمان به‌کار می‌روند نیز این‌گونه عمل می‌کنند:

Es ist jetzt schon sehr spät.

(ج) افعالی با یک مکمل در حالت Dativ یا Akkusativ: بسیاری از افعالی که es را به‌عنوان فاعل صوری در کنار خود دارند، دارای مکملی در حالت Dativ یا Akkusativ هستند. این مکمل به شخصی اشاره می‌کند که عمل یا حالتی که فعل بیان‌کننده آن است، به‌طور منطقی به او باز می‌گردد. به همین علت، برخی از دست‌نویسان آن‌ها را Dativ و Akkusativ شخصی^{۱۵} نامیده‌اند. باید توجه داشت که با وجود شباهت ظاهری، این مکمل‌ها مفعول

Akkusativ یا Dativ نیستند، زیرا برخلاف آن‌چه در مورد مفعول صادق است، عملی که فعل بیان‌کننده‌ی آن است، روی این مکمل اعمال نمی‌شود. برخی از این افعال، علاوه بر مکمل‌های ذکر شده به مکمل‌های دیگری نیز احتیاج دارند. این افعال به چهار گروه زیر تقسیم می‌شوند [همان، ۲۰۰۰، ص ۲۱۷]:

● افعالی با یک Akkusativ شخصی:

Es juckte ihn.

Es überlief ihn kalt.

Es zog ihn zu seinen Kindern.

وجود es در کنار برخی از این افعال، چنان‌چه یکی دیگر از اجزای جمله در ابتدای آن قرار گیرد، الزامی نیست.

Es froh mich. Mich froh (es).

● افعالی با یک Dativ شخصی:

Es geht ihm gut.

Es hat mir auf Rügen gefallen.

Es fehlt ihm nicht an Ausdauer.

با قرار گرفتن es در فضای درونی جمله، امکان حذف آن - البته نه در مورد همه‌ی افعال این گروه - وجود دارد.

Es schwindelte ihr. Ihr schwindelte (es).

● افعالی با یک Akkusativ یا Dativ شخصی:

استفاده از هر یک از مکمل‌های یاد شده، برای برخی از افعال این گروه صحیح است:

Es ekelte sie/ ihr (vor den Würmern).

● افعالی با یکی از انواع معمولی: حضور es به‌عنوان فاعل در کنار افعال این گروه الزامی است. این افعال، هم‌چنین یکی از انواع مفعول را در کنار خود دارند [مبصر، ۱۳۸۶: ۴].

Es gibt noch einen ungeklärten Punkt.

(Akkusativ)

Es geht um den ersten Preis.

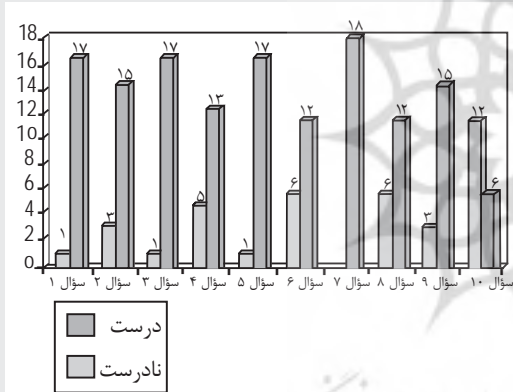
(Präpositionalobjekt)

Es bedarf noch einiger Mühe. (Genitiv)

۲. مفعول صوری

افعالی که es در کنار آنان در نقش مفعول ظاهر می‌شود، ترکیب‌های از پیش تعیین شده و ثابتی هستند که نمی‌توان از معنی تک‌تک اجزای تشکیل‌دهنده، به مفهوم اصلی آن‌ها پی برد. درک معنا و مفهوم واقعی این اصطلاحات

3. Diese Arbeit hat ... in sich.
4. Im Schwimmen kann er ... mit jedem aufnehmen.
5. Kauf dieses Hemd. Ihm wird ... bestimmt gefallen.
6. Die Banken leihen sich das gesparte Geld ihrer Kunden für eine bestimmte Zeit aus, um ... anderen Kunden zu leihen.
7. ... freut uns, dass unsere Mannschaft gewonnen hat.
8. Heute läßt ... sich durch verschiedene Teste herausfinden, wogegen ein Mensch allergisch ist.
9. Was du da machst, ist ... gut.
10. Eine gute Stimmung hat ... geherrscht.



نمودار ۱. بررسی آماری پاسخ‌های بخش اول آزمون

در بخش دوم آزمون، هشت جمله وجود داشت. از دانشجویان درخواست شد تا نقش ضمیر *es* را در آن‌ها تعیین کنند. سه جمله‌ی زیر به‌عنوان نمونه از میان آن‌ها انتخاب شده است. ضمیر *es* در جمله‌ی ۱ جای‌گزین اسم، در جمله‌ی ۲ جانگه‌دار فاعل و در جمله‌ی ۳ فاعل صوری است.

1. Das weltweit tätige Kulturinstitut der BRD steht für spannende und offene Kulturarbeit und modernen Deutschunterricht. *Es* ist mit 147 Instituten rund um den Globus zu Hause.

و استفاده‌ی صحیح از آنان - مانند آن‌چه در مورد سایر اصطلاحات زبان آلمانی صادق است - تنها هنگامی میسر است که فرد، معنای کل عبارت و مفهومی را که در ورای ظاهر آن نهفته است، بداند.

Sie hat *es* ihm angetan. (= Sie gefällt ihm)
 Sie hat *es* auf den Mantel abgesehen. (= Sie wünscht sich den Mantel)

چند مثال دیگر از این گروه:

Es weit bringen= im Leben viel erreichen

Es in sich haben= schwer sein

Es gut mit jmdm. meinen= sich jmdm.

gegenüber gut verhalten

مشکلات فارسی‌زبانان در کاربرد ضمیر *es*

به‌منظور بررسی دقیق‌تر مشکلات زبان‌آموزان فارسی‌زبان در استفاده‌ی صحیح از ضمیر *es*، آزمونی در دو بخش طراحی شد. مخاطبین دانشجویان دوره کارشناسی رشته‌ی مترجمی زبان آلمانی دانشگاه تهران بودند. آن‌ها پس از پایان نیم‌سال دوم تحصیلی، بعد از فراگیری نقش‌های متفاوت *es* در درس «آلمانی پیشرفته»، در این آزمون شرکت می‌کردند. اغلب این دانشجویان، قبل از پذیرفته شدن در دانشگاه، با زبان آلمانی آشنایی نسبتاً خوبی داشتند و گنجینه‌ی لغات آنان وسیع و از توانایی خوبی در مکالمه به زبان آلمانی برخوردار بودند. بخش اول آزمون، حاوی ۲۰ جمله بود. حضور *es* در این جملات، گاه الزامی و گاه اختیاری و در مواردی نیز استفاده از ضمیر *es* براساس قواعد دستور زبان آلمانی، نادرست بود. این جملات به گونه‌ای طراحی شده بودند که نقش‌های متفاوت *es* را دربرگیرند.

ده جمله‌ی زیر از جملات بخش اول این آزمون انتخاب شده‌اند. *es* در جمله‌های ۱ و ۲ فاعل و در جمله‌های ۳ و ۴ مفعول صوری است. هم‌چنین، در جمله‌های ۵ و ۶ در نقش جانشین کلمه و در جمله‌های ۷ و ۸ در نقش جانگه‌دار ظاهر شده است. جملات ۹ و ۱۰ نیز بدون ضمیر *es* از لحاظ معنایی و دستوری کامل هستند. از دانشجویان خواسته شده بود که *es* را فقط در جایی که وجود آن الزامی است، قرار بدهند.

1. Worum handelt ... sich?

2. Mir geht ... gut.

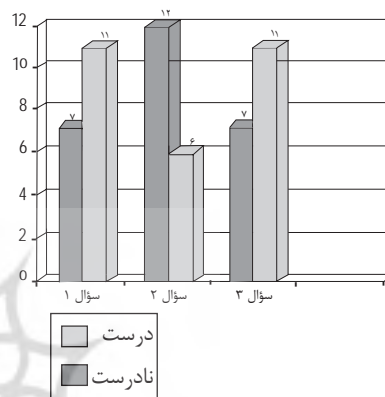
آن دارای ظرایف و ریزه‌کاری‌های فراوانی است که به گونه‌ای که تسلط بر همه‌ی موارد و کسب توانایی لازم در تشخیص نقش es در جمله و در نهایت تصمیم‌گیری در مورد لزوم یا عدم لزوم حضور آن در جمله، مستلزم تمرین و ممارست است.

این قاعده که ضمیر es می‌تواند جانشین یک اسم مفرد خنثا شود، در مراحل اولیه‌ی زبان‌آموزی آموزش داده می‌شود. فارسی‌زبانان این قاعده را - هرچند اسامی در زبان فارسی فاقد جنسیت و حرف تعریف هستند - به سرعت فرامی‌گیرند، ولی در به‌کار گرفتن آن به خصوص در ابتدای کار دچار اشتباه می‌شوند. با نگاهی به نمودار ۱ درمی‌یابیم که همه‌ی دانشجویان (به جز یک نفر) در جمله‌ی شماره‌ی ۵ به درستی ضمیر es را جانشین یک اسم مفرد خنثا^{۱۶} کرده‌اند. اما در موردی کاملاً مشابه (جمله‌ی شماره‌ی ۶) یک‌سوم از دانشجویان نتوانسته‌اند در مورد لزوم حضور ضمیر es در جمله‌ی پیرو که در این‌جا نیز جانشین یک اسم مفرد خنثا^{۱۷} می‌شود، تصمیم درستی بگیرند. شاید علت این امر وجود فاصله نسبتاً زیادتری - در مقایسه با جمله‌ی شماره‌ی ۵ - میان ضمیر و اسم مرجع آن بوده است. این امکان نیز وجود دارد که اضافه شدن کلمه‌ی «ihrer Kunden» که با هدف ارائه‌ی توضیحات دقیق‌تر به «das Geld» اضافه شد، باعث بروز تردید در استفاده‌ی ضمیر es از سوی دانشجویان شده است.

بدیهی است یادگیری این قاعده که در برخی موارد می‌توان از ضمیر es به جای اسامی مفرد مذکر و مؤنث و حتی اسامی جمع نیز استفاده کرد، برای زبان‌آموزان فارسی‌زبان چندان ساده نیست. یادگیری نحوه‌ی استفاده از es به جای صفت، فعل و جمله از آن هم دشوارتر است. همان‌طور که ذکر شد، وجود جزئیات فراوانی که به هنگام استفاده از ضمیر es باید مورد توجه قرار بگیرد، باعث پیچیدگی این مبحث و دشوار شدن یادگیری آن برای فارسی‌زبانان شده است. برای مثال es در نقش جانگه‌دار فاعل، می‌تواند در ابتدای جمله قرار گیرد و فاعل را به داخل جمله براند. اما چنان‌چه فاعل در مکان اول جمله قرار داشته باشد، حضور es در جمله نه تنها لزومی ندارد و معمول نیست، بلکه از لحاظ قواعد دستوری نیز نادرست است. علت بروز ۱۲ پاسخ نادرست از میان ۱۸ پاسخ داده شده به جمله‌ی

2. Wenn in einem Gebiet zu viele Wälder abgeholzt weden, tragen Wind und Wasser die lockere, oberste fruchtbare Bodenschicht ab, die nicht mehr durch die Wurzeln der Bäume gefestigt ist. Damit wird der Boden unfruchtbar, es wächst nichts mehr.

3. Es gibt jedoch eine Tendenz zur Kleinfamilie bei wachsender Zahl der Haushalte.



نمودار ۲. نحوه پاسخ‌گویی به سؤالات بخش دوم آزمون

با بررسی این دو نمودار مشخص می‌شود که دانشجویان در استفاده‌ی صحیح از es و هم‌چنین تعیین نقش آن در جمله با مشکل مواجه هستند. بروز خطا در پاسخ‌گویی به هر ده سؤال بخش اول آزمون - البته با نسبت‌های متفاوت - نشان‌دهنده‌ی این واقعیت است که تصمیم‌گیری در مورد استفاده یا عدم استفاده از es در تمامی نقش‌های آن برای دانشجویان امری دشوار است. با نگاهی به نمودار ۱ درمی‌یابیم، بیشترین تعداد پاسخ‌های نادرست به ترتیب مربوط به سؤالات ۱۰، ۸، ۶ و ۴ می‌شود. علت این دشواری از دو منظر، قابل بررسی و تجزیه و تحلیل است:

تعداد نقش‌های ضمیر es و کاربرد گسترده و متفاوت آن

همان‌طور که مشاهده شد، es دارای سه نقش عمده است. هر یک از این نقش‌ها خود موارد جزئی‌تری را شامل می‌شود. مبحث ضمیر es و نحوه‌ی استفاده‌ی صحیح از

زمان بیشتری خواهد بود. برای مثال استفاده از ضمیر es به عنوان مفعول صوری، در زبان فارسی مصداق ندارد. معادل فعل مرکب «عجله داشتن» در زبان آلمانی عبارت «es eilig haben» است. برگردان جمله‌ی آلمانی «Ich habe es eilig» در زبان فارسی «(من) عجله دارم.» است. با مقایسه‌ی اجزای این دو جمله باهم، درمی‌یابیم ضمیر es که در جمله‌ی آلمانی یاد شده در نقش مفعول صوری باید در جمله حضور داشته باشد، در جمله‌ی فارسی معادلی ندارد. از این رو طبیعی است که پنج نفر از دانشجویان لزوم حضور آن را در جمله‌ی شماره‌ی ۴ نادیده گرفته‌اند.

جمله‌ی شماره‌ی ۲ (Mir geht es gut) که در آن به عنوان فاعل صوری ضروری است، جمله‌ی شناخته شده‌ای است که در مکالمات روزمره‌ی زبان آلمانی، کاربرد فراوانی

هرچه تفاوت میان وجوه گوناگون زبان مادری (علاوه نوشتاری، نحوه‌ی تلفظ آواها، قواعد دستوری و...) با زبان خارجی بیشتر باشد، فراگرفتن آن مستلزم کوشش، ممارست و صرف زمان بیشتری خواهد بود.

دارد. با این وجود، سه نفر از دانشجویان دچار تردید شده‌اند. علت این است که فارسی‌زبانان براساس معادل فارسی این جمله (حالم خوبه) استفاده از es را ضروری تشخیص نداده‌اند.

نتیجه‌گیری

زبان‌آموزان فارسی‌زبان در استفاده‌ی صحیح و بجا از

شماره‌ی ۱۰ نیز مربوط به همین مورد می‌شود. از سوی دیگر، درک جزئیات کاربردهای گوناگون ضمیر es، مستلزم آشنایی زبان‌آموزان با پاره‌ای دیگر از مباحث دستورزبان آلمانی است. مطابق آنچه تاکنون در خصوص نقش‌های مختلف es عنوان شد، اگر زبان‌آموزان با مفاهیمی چون Prädikativ, Kopulaverben, Subjektsatz, Objektsatz, Vollverben و... بیگانه باشند، در فراگیری مبحث es با مشکل مواجه خواهند شد.

تأثیر قواعد زبان فارسی بر ذهن زبان‌آموزان

مقایسه‌ی ساخت‌های زبان مادری با زبان بیگانه، فرایندی است که خواسته یا ناخواسته ذهن هر زبان‌آموزی را به خود مشغول می‌کند. البته این مسئله همیشه نتایج منفی ندارد. به راحتی می‌توان با اشاره به نکات مشترک و شباهت‌های موجود میان دو زبان، به فراگیری یادگیری سرعت و ثبات بیشتری بخشید [لادو، ۱۹۶۷ و فریس، ۱۹۶۲]. از جمله عواملی که ممکن است، باعث بروز خطا در ذهن زبان‌آموز شود، تأثیر زبان مادری و یا یک زبان بیگانه‌ی دیگر - که زبان‌آموز با آن آشنایی دارد - بر زبان آلمانی و قواعد آن است. در واقع علت بروز چنین خطایی، مقایسه‌ی ساختار زبان مادری - در این‌جا زبان فارسی - و یا زبان بیگانه - برای مثال، زبان انگلیسی که اکثر زبان‌آموزان با آن آشنایی دارند، با ساختار دستوری زبان آلمانی - است [کلپین، ۱۹۹۷: ۳۲-۳۰]. البته نمی‌توان منکر این واقعیت شد که هرچه تفاوت میان وجوه گوناگون زبان مادری (علاوه نوشتاری، نحوه‌ی تلفظ آواها، قواعد دستوری و...) با زبان خارجی بیشتر باشد، فراگرفتن آن مستلزم کوشش، ممارست و صرف



منابع

انوری، احمدی گیوی و دیگران. دستور زبان فارسی ۲. چاپ نوزدهم. انتشارات فاطمی. تهران. ۱۳۷۹.
مبصر، نیلوفر: «مفعول در زبان آلمانی و دشواری‌های یادگیری آن برای فارسی‌زبانان». رشد، آموزش زبان. دوره‌ی بیست‌ویکم. شماره‌ی ۴. تابستان ۱۳۸۶.
قریب و دیگران. دستور زبان فارسی (پنج استاد). چاپ نهم. انتشارات واژه. تهران. ۱۳۷۰.

Drosdowski, G. (1984): *Der Duden in 10 Bänden. Bd. 4.* Mannheim: Bibliographisches Institut.

Fries, Ch. (1962): *Teaching and Learning English as a Foreign Language.* The University of Michigan Press.

Helbig, G. und Buscha, J. (2000): *Leitfaden der deutschen Grammatik.* Berlin: Langenscheidt.

Helbig, G. und Buscha, J. (2001): *Deutsche Grammatik.* Berlin: Langenscheidt.

Kleppin, K. (1997): *Fehler und Fehlerkorrektur.* Fernstudieneinheit 19. Berlin: Langenscheidt.

Lado, R. (1967): *Moderner Sprachunterricht. Eine Einführung auf wissenschaftlicher Grundlage.* München: Hueber.

(N. N): Online Grammar (2009): www.canoo.net [18.1.2009]

ضمیر es غالباً دچار اشکال می‌شوند. حتی دانشجویانی که آشنایی قبلی خوبی با زبان آلمانی دارند، نمی‌توانند به راحتی در خصوص ضرورت یا عدم ضرورت حضور es در جملات آلمانی تصمیم درستی اتخاذ کنند. با تجزیه و تحلیل پاسخ‌های نادرست دانشجویان دوره‌ی کارشناسی رشته‌ی مترجمی زبان آلمانی، به سؤالات آموزشی که به منظور سنجش میزان آشنایی ایشان با کاربردهای گوناگون es و مهارت آنان در تشخیص لزوم استفاده از آن در جملات متفاوت طراحی شده بود، عواملی که در بروز خطا مؤثر هستند نیز شناسایی شدند. گستردگی و تنوع نقش‌های گوناگون و گاه متفاوت ضمیر es، وجود ریزه‌کاری‌های فراوان در قواعد مربوط به نحوه‌ی استفاده از آن، و لزوم آشنایی زبان‌آموزان با آن بخش از مفاهیم و مباحث دستور زبان آلمانی که ارتباط تنگاتنگی با این مبحث دارند، روند یادگیری را کند و درصد بروز خطا را افزایش می‌دهد. تأثیر قواعد زبان فارسی بر ذهن زبان‌آموزان و این واقعیت که خواسته یا ناخواسته نقش و کاربردهای ضمیر es را با موارد و ساخت‌های مشابه در زبان مادری خود مقایسه می‌کنند نیز از جمله عوامل مؤثر در بروز خطا محسوب می‌شود.

پی‌نوشت

* Thanks to the Research Center for Foreign languages (ReC:LLT) at the University of Tehran for its support.

1. Akkusativ
2. Pronomen od. Stellvertreter des substantivs
3. Prouort
4. Platzhalter
5. Korrelat
6. Subjektsatz
7. Objektsatz
8. erweitertes Subjekt
9. formales Subjekt
10. grammatisches Subjekt
11. künstliches Subjekt
12. unpersönliches Subjekt
13. Vollverben
14. unpersönliche Verben
15. Personenangabe im Akk. u. Dat. 12.*
16. dieses Hemd
17. das gesparte Geld

